

تدوین مدل مضامین مرتبط با کیفیت زناشویی از دیدگاه مردان متأهل: یک پژوهش کیفی

ذبیح الله کاوه فارسانی*
عارفه مهدیه**

چکیده

با توجه به اهمیت نهاد خانواده در ایران و نقش کلیدی و مؤثری که زوجها در پایه ریزی و استمرار خانواده‌های مستحکم و با دوام ایفا می‌کنند، لذا تقویت مهارت‌های مرتبط با افزایش "کیفیت زناشویی" در زوجین، امری ضروری به نظر می‌رسد. بنابر این هدف این پژوهش، تدوین مدل مضامین مرتبط با کیفیت زناشویی از دیدگاه مردان متأهل بود. این مطالعه به شیوه کیفی و با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون انجام شد. ۲۰ مرد متأهل ساکن در شهر، شهرکرد با نمونه‌گیری هدفمند و داوطلب براساس ملاک‌های ورود به پژوهش تا حد اشباع داده‌ها انتخاب و مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته قرار گرفتند. در ابتدا هر یک از جمله‌ها یا پاراگراف‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌های خام، توسط یک گزاره یا عبارت مفهومی کوتاه، توضیح داده شد، سپس گزاره‌های مفهومی بر اساس رویکرد تحلیل مضمون (Atrides & Sterling, 2001) در سه دسته مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo 8 کدگذاری شدند. ابتدا بیست مضمون اساسی شناسایی شد. از ترکیب و تلخیص مضامین پایه، شش مضمون سازمان‌دهنده‌ی ارضای عاطفی و احساس‌ها، درک علایق و نیازها، اولویت‌دهی، دلجویی و تسلی خاطر، ضمانت روانشناختی، گذشت و خود قضاوتی حاصل شد و در نهایت با یک پارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضمون فراگیر "مهم‌انگاری و به‌حساب‌آوری زنان" استخراج گردید. بر اساس یافته‌های موجود می‌توان نتیجه گرفت که تجربه مردان متأهل نشان می‌دهد که مهم انگاشتن زنان در زندگی زناشویی و القای این احساس به آن‌ها توسط شوهران‌شان از طریق عملکرد و رفتارهای مناسب مهم‌ترین عامل افزایش کیفیت زناشویی محسوب می‌شود. این پژوهش برای مشاوران و روان‌شناسان فعال در حوزه خانواده، جهت آموزش و ارائه مداخلات مناسب در زمینه افزایش کیفیت زناشویی می‌تواند سودمند باشد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت زناشویی، مردان متأهل، پژوهش کیفی، تحلیل مضمون

مقدمه

مهم‌ترین راهبردهایی که مردان متأهل جهت افزایش کیفیت زناشویی خود اتخاذ می‌کنند، کدامند؟ این مهم‌ترین سؤالی است که پژوهش حاضر در پی پاسخ‌دادن به آن بود. رسم و رسوم مربوط به ازدواج در پنج دهه‌ی گذشته تغییر کرده است (Nock, 2005, cited in Bath, 2010). جوانان قرن بیست و یکم نسبت به نسل‌های گذشته، زندگی‌شان بیشتر در معرض خطر زناشویی قرار گرفته و گزارش‌ها حاکی از آن است که تقریباً ۴۰ تا ۵۰ درصد زوج‌های جوانی که برای اولین بار ازدواج می‌کنند، احتمال طلاق

* استادیار گروه مشاوره، دانشکده ادبیات دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول)

KavehFarsani@sku.ac.ir

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

گرفتن آن‌ها وجود دارد (Popenoe & Whitehead, 2001)، به عنوان مثال، پژوهش‌ها در آمریکا نشان می‌دهند که ۹۳ درصد آمریکایی‌ها ازدواج شاد را به عنوان یکی از اهداف مهم خود در زندگی گزارش کرده‌اند (Waite & Gallagher, 2000)، و ۸۱ درصد از مردان و ۸۶ درصد زنان با سن ۴۰ سالگی ازدواج می‌کنند (National Center for Health Statistics, 2009, cited in Bath, 2010). همچنین برخی از پژوهش‌ها گزارش داده‌اند که افراد متأهل زندگی شادتر و سالم‌تری را تجربه می‌کنند (Popenoe & Whitehead, 2001). شواهد بیشتری نشان می‌دهد که ازدواج و داشتن روابط نزدیک، افراد را از بیماری‌های جسمی و عاطفی محافظت می‌کند و باعث بهبود و ارتقای تاب‌آوری در زوجین می‌شود (Taylor, 2002). در واقع، افرادی که ازدواج کرده‌اند، معمولاً افسردگی، اضطراب و خودکشی، سوء مصرف به الکل و مواد مخدر، خشونت علیه شریک زندگی و مرگ و میر کمتری را گزارش می‌دهند. از سوی دیگر، گزارش پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که کودکانی که با والدین خود بزرگ می‌شوند، سلامت جسمی و روحی بیشتری دارند، سوء استفاده‌های جسمی، جنسی و عاطفی و رفتارهای جنایی کمتری را تجربه می‌کنند، سطح تحصیلات بالاتر، ازدواج‌های پایدارتر در بزرگسالی و موفقیت‌های شغلی بسیاری را به دست آورده‌اند (2 Monin & Clark, 2006 Kaplan & Kronick). با این حال همیشه در اکثر پژوهش‌ها این سؤال اغلب مورد بررسی قرار می‌گیرد: "چه عوامل و راهبردهایی یک زندگی زناشویی با کیفیت بالا را از یک زندگی زناشویی با کیفیت پایین متمایز می‌کند؟" با توجه به تعهدهای زودگذر و نرخ بالای طلاق در بین زوج‌ها، جالب است که هنوز برخی از زوج‌ها در واقع با رضایت و کیفیت بالایی به زندگی زناشویی خودشان نگاه می‌کنند و داشتن یک زندگی زناشویی شاد و با کیفیت بالا را همچنان به عنوان یک هدف بسیار مهمی برای خود در نظر گرفته‌اند (Lauer & Lauer, 2009, cited in Kapure, 2015). کیفیت زناشویی یک پدیده پیچیده و چند بُعدی است (Mósmann, Wagner, & Féres-Carneiro, 2007)، که در بسیاری از زمینه‌های علمی متنوع مورد بررسی قرار گرفته است (Falcke, Selcuk, Zayas, & Hazan, 2010; Mósmann, 2011; Acevedo, Aron, Fisher, & Brown, 2012). بهداشت و بهزیستی افراد را شکل می‌دهد (Fincham & Beach, 2010; Amato, 2010)، و به عنوان احساس‌های کلی همسران از شادمانی و رضایت آن‌ها از زندگی مشترک تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، کیفیت زناشویی به نگرش ذهنی فرد به رابطه زناشویی و برآورد همسران از شادمانی آن‌ها در ازدواج اطلاق می‌شود (Custer, 2009). عوامل فرهنگی، مذهبی، حقوقی و آموزشی در میان مردم یک جامعه، به ایده‌آل‌های افراد برای ایجاد یک رابطه عاطفی، به‌ویژه یک رابطه زناشویی، کمک می‌کند (Lucas, Parkhill, Wendorf, Imamoglu, Weisfeld, Weisfeld, 2011 & Shen, 2008). بنابراین، رضایت از یک همسر تا حدودی بستگی به این موضوع دارد که طرف مقابل چگونه در ازدواج توانسته است به انتظارات و وظایفی که ناشی از حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است، پاسخ دهد. در بررسی پژوهش‌های کشورهای غربی، معیارهای کیفیت زناشویی تا حد زیادی بستگی به اهداف و ایده‌آلهایی دارد که

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

همسران برای خوشبختی در نظر گرفته‌اند، با توجه به منابع ذکر شده، کیفیت زناشویی بستگی به عوامل بسیاری از جمله، احساس ذهنی رضایت از همسر، نوع شخصیت شریک زندگی و فعالیت‌های هر یک از زوجها در زندگی، ارتباط‌های درون خانواده و تنظیم روابط جنسی، دارد (Braun-Gakowska, 2008; Chmielewska, 2012; Wojciszke, 2005; Ry, 2008; Plopa, 2009).

آن دورف و گیمیری (Allendorf and Ghimire, 2013) نشان دادند کیفیت زناشویی از طریق پنج بُعد رضایت، ارتباط‌ها، با هم بودن، مشکلات و مخالفت‌ها اندازه‌گیری می‌شود. جنس، آموزش، انتخاب همسر و طول مدت زناشویی به عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده این ابعاد کیفیت زناشویی هستند. همچنین (McCray, 2015) بیان کرد که بین ادراک احتمال خیانت همسر و اعتماد، تعهد زناشویی و کیفیت زناشویی رابطه منفی وجود دارد و بعد از کنترل سبک دلبستگی زنان، تعهد زناشویی و اعتماد به عنوان متغیرهای تبیینی کیفیت زناشویی عمل می‌کنند و بالاخره (Banerjee & Basu, 2014) دریافتند که شوهران دارای کیفیت زناشویی ضعیف، دارای روان‌رنجورخویی بیشتر، برون‌گرایی کمتر، سبک دلبستگی کمتر ایمن، مقابله مسئله محور کمتر و پذیرش کمتر نسبت به افراد دارای کیفیت زناشویی مناسب هستند و زنان با کیفیت زناشویی ضعیف‌تر به‌طور معناداری با زنان دارای کیفیت زناشویی مناسب بر حسب مقابله، پذیرش و حمایت اجتماعی تفاوت دارند.

از آنجایی که شکست در ازدواج هزینه‌های اجتماعی، اقتصادی و هیجانی زیادی را ایجاد می‌کند، بنابراین پژوهش‌هایی نیاز است که بتواند این عوامل را شناسایی و بررسی کرده و زمینه‌ای برای طرح‌هایی فراهم کند، که موجب بهبود کیفیت زناشویی شود. چراکه کیفیت زناشویی نه تنها سلامت و خوشی افراد در ازدواج و زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه سایر روابط و زمینه‌ها در بیرون و درون خانواده متأثر از آن است. بنابراین یکی از اهداف مهم پژوهش‌های انجام شده در حوزه خانواده، افزایش کیفیت زناشویی زوجها به عنوان دو رکن اصلی تشکیل‌دهنده خانواده می‌باشد. گرچه پژوهش‌های کمی و کیفی زیادی در حوزه کیفیت زناشویی صورت گرفته است، اما ماحصل اکثر این پژوهش‌ها، دست‌یابی به مفاهیم و مقولاتی کلی است که به صورت اشتراکی یا تلفیقی از نظرات و گفته‌های زوجها با هم (هم زنان و هم مردان) استخراج شده است. هر چند می‌توان گفت موضوع کیفیت زناشویی چه از دید مردان و چه زنان شاید به مفاهیم و مقولات مشابهی اشاره داشته باشد، اما این مسأله نیز ضروری به نظر می‌رسد تا ضمن انجام پژوهش‌های کیفی عمیق، نظرات و راهکارهای زنان و مردان، در مورد چرایی و چگونگی کیفیت زناشویی به صورت مجزا و تفکیک شده به دست آید. بنابراین این پژوهش با هدف تدوین مدل مضامین مرتبط با کیفیت زناشویی از دیدگاه مردان متأهل انجام گرفت.

روش

پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی (qualitative research) بود که با استفاده از رویکرد تحلیل مضمون (thematic analysis) و تدوین مدل شبکه مضامین، به فهم، تحلیل و تفسیر پدیده "کیفیت زناشویی" از دیدگاه مردان متأهل پرداخت.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

نمونه این پژوهش شامل ۲۰ مرد متأهل (که در طی یک فراخوان در سطح شهر، شهرکرد که مبنی بر اهداف و ویژگی‌های شرکت در این پژوهش بود) به روش نمونه‌گیری داوطلب-هدفمند (voluntary- purposeful sampling) و بر اساس ملاک‌های ورود برخوردار از احساس رضایت زناشویی به صورت خود اظهاری، سن ۲۰ تا ۴۵ سال، دارا بودن حداقل یک فرزند، مطالعه و امضا کردن فرم حضور آگاهانه توسط فرد شرکت‌کننده، نداشتن مشکلات خانوادگی، زناشویی و مصرف نکردن داروهای اعصاب و روان انتخاب گردیدند (اطلاعات جمعیت‌شناسی شرکت‌کننده‌ها در جدول ۱ ذکر شده‌اند).

ابزار اندازه‌گیری

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته جمع‌آوری شدند. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافتند که داده‌ها به تکرار یا اشباع نظری (saturation data) رسیدند؛ اشباع نظری زمانی اتفاق می‌افتد که پژوهش‌گر به این نتیجه برسد که به مفاهیم و پاسخ‌های مشابه رسیده است و از مصاحبه‌های جدید به مفاهیم جدیدی دست پیدا نمی‌کند (Strauss & Corbin, 1998, cited in Afshar, 2012). در این پژوهش، با وجود این‌که، داده‌ها از مصاحبه‌های شرکت‌کننده‌های پانزدهم و شانزدهم به درجه اشباع نظری نزدیک شد، اما برای اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا نفر بیستم ادامه یافت. هر مصاحبه پس از ضبط، در قالب متون متنی پیاده‌سازی می‌شدند.

پایایی و روایی داده‌ها

برای سنجش پایایی و روایی پژوهش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، مورد نظر قرار گرفت، همچنین جهت اجتناب از عینیت و سوءگیری تحلیل‌گران، از کدگذاران مستقل خارجی جهت کدگذاری و همچنین نظر گروهی از خبرگان آشنا به موضوع تحقیق، استفاده شد. علاوه بر آن در کلیه مراحل کدگذاری و تحلیل داده‌ها خصوصاً در زمانی که در مورد فهم مفهوم مطرح شده در مصاحبه‌ها، اطمینان کافی حاصل نمی‌شد، نتایج تحلیل، در اختیار مصاحبه‌شونده‌ها قرار می‌گرفت، تا در مورد تطابق یا عدم تطابق کدها و تحلیل‌های پژوهش‌گران با مفهوم اصلی مورد نظر مصاحبه‌شونده‌ها اطمینان حاصل شود.

روند اجرایی پژوهش

شرکت‌کنندگان بین ماه‌های مهر ۱۳۹۵ تا خرداد ماه ۱۳۹۶ مورد مصاحبه قرار گرفتند و به هر شرکت‌کننده اطمینان محرمانه بودن مصاحبه و رعایت اصول اخلاقی داده شد. زمان جلسه‌های مصاحبه به‌طور متوسط بین ۴۵ تا ۶۰ دقیقه بود. بیشتر مصاحبه‌ها با دعوت قبلی در مرکز مشاوره و روان‌شناختی دانش‌آموزی اداره کل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری واقع در شهرکرد انجام گرفت. در شروع هر مصاحبه،

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

شرکت‌کننده‌ها یک نامه مبنی بر بیان اهداف پژوهش، اطمینان از محرمانه بودن اطلاعات و رعایت اصول اخلاقی دریافت می‌کردند و سپس پرسش‌نامه حاوی اطلاعات جمعیت‌شناسی را دریافت می‌کردند و بعد از مطالعه و پرکردن پرسش‌نامه، مصاحبه شروع می‌شد و با اجازه گرفتن از زوجها کل مصاحبه ضبط می‌شد. در طول مصاحبه به شرکت‌کننده‌ها اجازه داده می‌شد تا درباره حیطه‌ها و یا موضوع‌هایی که فکر می‌کنند که در این رابطه مهم است، صحبت کنند. تمام مصاحبه‌های ضبط‌شده، ابتدا رونویسی و سپس به خاطر اطمینان از رونویسی درست اطلاعات یک بار دیگر با فایل ضبط‌شده مطابقت داده می‌شدند.

جدول ۱

اطلاعات جمعیتی شرکت‌کننده‌ها

کد	سن	مدت ازدواج	تعداد فرزندان	تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱	۳۶	۹	۲	دانشجوی دکتری	کارمند
۲	۳۹	۱۰	۳	کارشناسی ارشد	کارمند
۳	۴۵	۱۵	۳	کارشناسی ارشد	آزاد
۴	۳۴	۱۲	۲	لیسانس	آزاد
۵	۳۷	۱۰	۱	فوق دیپلم	کارمند
۶	۳۵	۷	۱	لیسانس	روحانی
۷	۳۳	۷	۲	لیسانس	کارمند
۸	۳۰	۶	۱	دیپلم	مستخدم شرکتی
۹	۳۲	۴	۱	فوق دیپلم	نظامی
۱۰	۲۵	۵	۱	فوق دیپلم	روحانی
۱۱	۲۷	۵	۱	لیسانس	روحانی
۱۲	۴۳	۱۰	۱	کارشناسی ارشد	کارمند
۱۳	۳۵	۸	۲	دکتری	کارمند
۱۴	۳۰	۵	۱	دیپلم	آزاد
۱۵	۳۲	۴	۱	کارشناسی ارشد	کارمند
۱۶	۳۵	۳	۱	دیپلم	کارگر
۱۷	۲۷	۴	۱	دیپلم	آزاد
۱۸	۲۶	۳	۱	لیسانس	آزاد
۱۹	۲۹	۶	۱	دیپلم	مستخدم شرکتی
۲۰	۳۷	۷	۲	لیسانس	کارمند

همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شد، دامنه سنی شرکت‌کننده‌ها ۲۵-۴۵ سال؛ مدت ازدواج ۳ تا ۱۵ سال؛ ۱۳ نفر از شرکت‌کننده‌ها دارای ۱ فرزند، ۵ نفر دارای ۲ فرزند و ۲ نفر دارای ۳ فرزند؛ ۵ نفر از شرکت‌کننده‌ها دارای مدرک دیپلم، ۳ نفر فوق دیپلم، ۶ نفر لیسانس، ۴ نفر کارشناسی

ارشد، ۱ نفر دانش‌جوی دکتری و ۱ نفر هم‌دارای مدرک دکتری بودند و سایر ویژگی‌ها در جدول بالا ذکر شده‌اند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

از روش تحلیل مضمون به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. تحلیل مضمون عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. بر این اساس پژوهش‌گران ضمن غوطه‌ور شدن در داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، به استخراج جملات، پاراگراف‌ها یا عبارت‌هایی از متن پرداختند که در بردارنده مفاهیم کیفی مناسب باشد، هر یک از این جمله‌ها یا پاراگراف‌های استخراج شده از مصاحبه‌های خام، توسط یک گزاره یا عبارت مفهومی کوتاه تعریف شد، سپس عبارت‌های مفهومی بر اساس رویکرد تحلیل مضمون (Attride & Stirling, 2001) در سه دسته مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر در نرم‌افزار Nvivo8 کدگذاری شدند.

مضامین پایه. کدها و نکات کلیدی، مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها مضامین سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود.

مضامین سازمان‌دهنده. مضامین به‌دست آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه.

مضامین فراگیر. مضامین عالی در بردارنده اصول کلی حاکم بر متن به مثابه یک کل (Abedi Ja'fari, 2011, Taslimi, Faghihi, & Sheikhzade). شیوه انجام کدگذاری به این صورت بود که هر چه از کدگذاری پایه به سمت کدگذاری فراگیر حرکت می‌کردیم، داده‌ها بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌های کیفی در مقولات گسترده‌تر دسته‌بندی می‌شدند و مضامین به‌دست آمده در هر مرحله از کدگذاری، انتزاعی‌تر از مضامین قبلی بود. به این معنا که در هر مرحله از کدگذاری از حجم داده‌ها کم و بر محتوای آن‌ها اضافه می‌شد. در نهایت، مدل پژوهش، در قالب شبکه مضامین و با استفاده از نرم‌افزار Nvivo 8 استخراج گردید.

یافته‌ها

در این پژوهش ابتدا داده‌های خام با عبارت‌ها و مفاهیم انتزاعی نام‌گذاری شد و سپس از دل مفاهیم موجود، بیست مضمون پایه، شش مضمون سازمان‌دهنده و در نهایت با یک پارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضمون فراگیر "مهم‌انگاری و به‌حساب آوری زنان در زندگی زناشویی" استخراج گردید (جدول ۲).

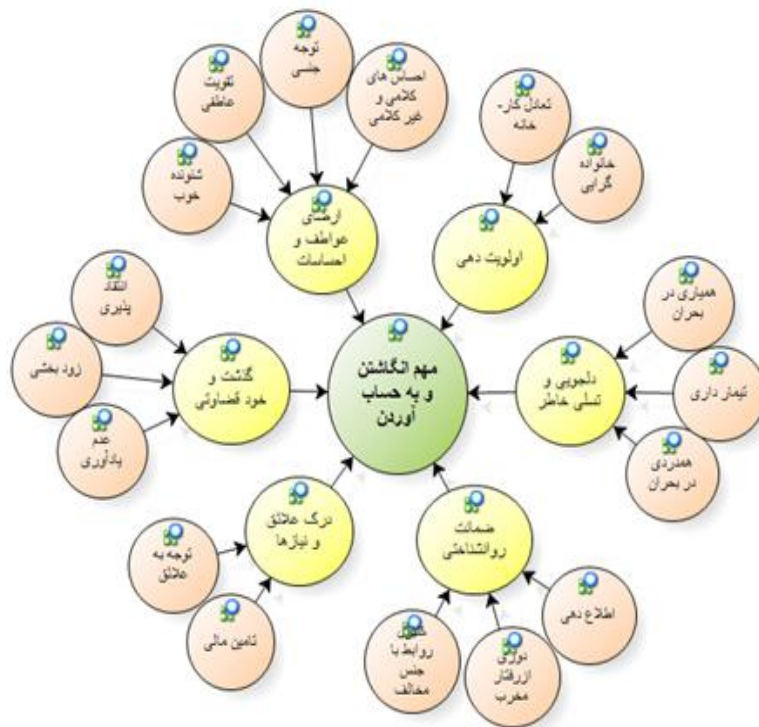
ارضای عواطف و احساس‌ها

ارضای عواطف و احساس‌ها اشاره به راهبردهایی دارد که مردان متأهل به منظور تقویت بُعد احساسی زندگی زناشویی اتخاذ می‌کنند. به عنوان مثال، ابراز احساس‌های کلامی و غیرکلامی یکی از نیازهای اساسی در زوجها مخصوصاً زن‌ها محسوب می‌شود و ارضای این نیاز پیامدهای مؤثری برای زندگی زوجی دارد. ابراز احساس‌ها در قالب بیان کلمات محبت‌آمیز و عاشقانه یا رفتارهای محبت‌آمیز

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

مثل بوسیدن و در آغوش گرفتن خود را نشان می‌دهد. شرکت‌کننده‌ها معتقدند ابراز احساس‌های کلامی و غیرکلامی نسبت به همسر حتی اگر در مدت زمان کوتاهی در طول شبانه روز اتفاق بیافتد عامل مهمی در جلوگیری از احساس یکنواختی در طول زندگی زناشویی می‌باشد. تقویت عاطفی به واسطه‌ی استفاده از واژه‌های احساسی جدید، توجه به آراستگی و تنوع ظاهری، استفاده از شوک‌های هیجانی مثل هدیه‌دادن به همسر، شاد نگه‌داشتن محیط خانواده به واسطه‌ی رفتارهایی چون غذا خوردن مرد در کنار اعضای خانواده، صحبت و بازی افراد خانواده با یکدیگر، تدارک گردش و ... از جمله مواردی است که عشق و علاقه زوجین را تقویت کرده و مانع از یکنواختی جریان زندگی می‌شود.

هر روز رابطه عاطفی و روحیم رو با خانمم بیشتر می‌کنم که احساس نکنه هر چی از عروسی‌مون فاصله می‌گیریم من هم ازش فاصله گرفتم. تمام دغدغه من این است که این فکر را از ذهن خانمم دور کنم و هر چه بیشتر جلوتر بریم، عشق و علاقه ما به همدیگر بیشتر بشه (مرد شرکت‌کننده شماره، ۱۰).



مدل ۱

مدل مضامین راهبردهای اتخاذ شده مردان متأهل در راستای افزایش کیفیت زناشویی

جدول ۲

راهبردهای استفاده شده مردان متأهل برای افزایش کیفیت زناشویی

مضمون مضامین سازمان دهنده فراگیر	مضامین پایه
مهم انگاری و به حساب آوری زنان در زندگی زناشویی	<ul style="list-style-type: none"> - ابراز احساسها کلامی همچون (ابراز دوستت دارم و بیان اصطلاحات خاص، روزانه حداقل ۵ دقیقه صمیمانه حرف زدن، ابراز رضایت لفظی از رابطه جنسی) و ابراز احساسها غیر کلامی همچون (نوازش، بوسیدن، در آغوش گرفتن و...) - تقویت عاطفی (ممانعت از یکنواختی زندگی با گذشت زمان ازدواج) - شنونده خوبی بودن برای صحبت‌های همسر - توجه جنسی
	<ul style="list-style-type: none"> - تأمین مالی (موظف دانستن خود به پرداختن خرجی ماهانه به همسر جهت تأمین نیازهای شخصی، سخت‌کوشی اقتصادی جهت تأمین رفاه خانواده) - توجه به علائق همسر در مورد تفریح، مسافرت، خرید کردن، مهمانی رفتن
	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد تعادل بین کار و خانه (عدم کار بیش از حد و وقت‌گذاری برای بازی و سرگرمی با فرزندان پس از بازگشت به خانه) - اولویت قرار دادن خانواده (اهمیت غذا خوردن در کنار خانواده نه در محل کار، ارجحیت دادن به تفریح و گردش با خانواده نسبت به تفریح و گردش با دوستان یا به تنهایی)
	<ul style="list-style-type: none"> - همدلی با همسر در مواقع مواجهه با مشکلات یا بحران‌های ناراحت کننده (مثل مرگ عزیزان، مشکلات فرزندان، مشکلات کاری، مشکلات خانوادگی و...) - پرستاری (مراقبت از همسر در زمان بیماری) - همپاری (عدم توقع از همسر جهت انجام مسئولیت در شرایط خاصی مثل بیماری و ناراحتی)
	<ul style="list-style-type: none"> - اطلاع دهی (مطلع کردن همسر از برنامه‌های روزانه مثل دیر آمدن به خانه، ملاقات‌ها و...، آگاه کردن همسر از برخی مسائل شخصی مثل رمز گوشی همراه، میزان درآمد، حساب‌های بانکی) - دوری از رفتارهای مخرب و منفی همچون رقیق بازی، سیگار کشیدن و... - کنترل رابطه با جنس مخالف (اجتناب از صحبت‌های غیر ضروری با زنان دیگر، کنترل رفتار و گفتار در محیط کار، عدم صمیمیت با همکاران زن در محیط کار و...)
	<ul style="list-style-type: none"> - بخشش زود هنگام، عدم کش دادن مشاجرات و پیش قدمی در آشتی کردن - فراموشی و عدم یادآوری اشتباهات طرف مقابل و نداشتن حس انتقام‌گیری - خود قضاوتی و تلاش جهت حذف رفتارهای آزار دهنده - انتقاد پذیری و عدم موضع‌گیری در مقابل ایرادهای مطرح شده از سوی همسر

نیاز به تعامل و ارتباط یکی از نیازهای اساسی انسان به حساب می‌آید به گونه‌ای که می‌توان گفت حیات انسان بدون داشتن تعامل و ارتباط با دیگران نابودشدنی است. ارضای نیاز ارتباطی، خود را در مصادیقی همچون "شنونده خوبی" برای حرف‌های یکدیگر بودن، نشان می‌دهد. این موضوع با توجه به

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت اجتماعی زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه نیاز ارتباطی مردها به دلیل کار و فعالیت اجتماعی در بیرون از خانه غالباً توسط دیگران ارضا می‌گردد. اما این نیاز در زنان به دلیل حضور بیشتر در خانه و نداشتن ارتباطات اجتماعی به اندازه کافی، غالباً ارضا نمی‌گردد. به همین دلیل است که زن‌ها با حضور شوهر در خانه تمایل به صحبت کردن، دارند. تجربه مردان مورد مصاحبه نشان می‌دهد شنونده خوبی بودن برای حرف‌ها و درد و دل‌های همسر حتی به مدت زمان کوتاه، موجب رضایت و خوشنودی مضاعف زنان‌شان می‌گردد.

گوش دادن زن و شوهر به هم‌دیگر به نعمت مهمی در زندگی
زناشویی است که من بعداً بهش رسیدم. البته کار سختی است این
گوش دادن مخصوصاً برای مرد، اما من اغلب پای حرفای خانم
می‌نشینم چون می‌دونم حس رضایت زیادی بهش دست می‌ده (مرد
شرکت‌کننده شماره، ۶).

نیاز به تعامل و ارتباط یکی از نیازهای اساسی انسان به حساب می‌آید به گونه‌ای که می‌توان گفت حیات انسان بدون داشتن تعامل و ارتباط با دیگران نابودشدنی است. ارضای نیاز ارتباطی، خود را در مصادیقی همچون "شنونده خوبی" برای حرف‌های یکدیگر بودن، نشان می‌دهد. این موضوع با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت اجتماعی زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است. چراکه نیاز ارتباطی مردها به دلیل کار و فعالیت اجتماعی در بیرون از خانه غالباً توسط دیگران ارضا می‌گردد. اما این نیاز در زنان به دلیل حضور بیشتر در خانه و نداشتن ارتباطات اجتماعی به اندازه کافی، غالباً ارضا نمی‌گردد. به همین دلیل است که زن‌ها با حضور شوهر در خانه تمایل به صحبت کردن، دارند. تجربه مردان مورد مصاحبه نشان می‌دهد شنونده خوبی بودن برای حرف‌ها و درد و دل‌های همسر حتی به مدت زمان کوتاه، موجب رضایت و خوشنودی مضاعف زنان‌شان می‌گردد.

گوش دادن زن و شوهر به هم‌دیگر به نعمت مهمی در زندگی
زناشویی است که من بعداً بهش رسیدم. البته کار سختی است این
گوش دادن مخصوصاً برای مرد، اما من اغلب پای حرفای خانم
می‌نشینم چون می‌دونم حس رضایت زیادی بهش دست می‌ده (مرد
شرکت‌کننده شماره، ۶).

از آنجا که ارضای نیاز جنسی یکی از مهم‌ترین اهداف زندگی زناشویی محسوب می‌شود، تجربه مردان مورد مصاحبه حاکی از این واقعیت است که ارضای جنسی و کسب آرامش جنسی تنها به واسطه اتکای صرف به رابطه جنسی محقق نمی‌شود، بلکه آرامش جنسی پیش شرط‌های مختلفی دارد، یکی از پیش شرط‌های اساسی در پژوهش آرامش جنسی که اغلب مورد غفلت قرار می‌گیرد، بیان انتظارات از یکدیگر به معنی توجه به نیازهای جنسی همسر می‌باشد.

من و همسر من بیشتر اوقات می‌نشینیم و در مورد بسیاری از این زمینه‌ها (منظور امور جنسی) با همدیگر صحبت می‌کنیم به نظر من امروزه یکی از عواملی که طلاق رو زیاد کرده اینه که زوجها نمی‌نشینند در مورد مسائل جنسی با هم صحبت کنند در صورتی که با این صحبت‌ها راه رسیدن به هدف خیلی راحت‌تر می‌شه (مرد شرکت‌کننده شماره، ۱۱).

درک علایق و نیازها

به عقیده مصاحبه شونده‌ها یکی از موارد مهمی که منجر به ایجاد حس رضایت و خوشنودی در زنان می‌شود، درک علایق و نیازها آن‌ها می‌باشد. موظف دانستن خود به پرداخت مبلغی به صورت ماهانه یا هفتگی به همسر جهت تأمین نیازهای شخصی، بدون بازخواست یا منت‌گذاری بر آن‌ها، سخت‌کوشی و تلاش برای کسب درآمد بیشتر، نمونه‌ای از علاقه مردان به تأمین نیازها و خواسته‌های زن و فرزندانشان می‌باشد. علاوه بر این، اهمیت دادن به خواسته‌ها و آرزوهای همسر حتی در صورت عدم توانایی برای برآوردن آن‌ها از جمله مواردی است که موجب دلگرمی و خوشحالی زنان می‌شود. به عقیده مصاحبه شونده‌ها توجه به خواسته‌های همسر در مورد چگونگی گذراندن اوقات فراغت، زمان و مکان مسافرت یا مهمانی رفتن و ... از جمله مواردی است که با توجه به تفاوت نیاز و علائق زنان نسبت به مردان، باید مدنظر قرار گیرد.

خواسته‌ها و نیازهای همسر را درک کرده‌ام و همیشه تلاشم این بوده در حد توانم اونها رو برآورده کنم و به نظر من این درک خیلی کمک کرده به ایجاد رضایت و عشق و علاقه‌ی ایشون به زندگی (مرد شرکت‌کننده شماره، ۱۷).

اولویت‌دهی و مرکز توجه قرار دادن

به عقیده مردان، اولویت دادن به زن و فرزندان نسبت به سایر مشغله‌های فردی و اجتماعی، نه تنها در روحیه همسر و فرزندان آن‌ها تأثیر مثبتی دارد، بلکه موجب آرامش و رضایت بیشتر خود مردان نیز می‌گردد. اقداماتی همچون موظف دانستن خود به غذا خوردن در کنار خانواده، همراهی با همدیگر برای شرکت در مهمانی‌ها و مراسم‌های مختلف، در اولویت قرار دادن تفریح و گردش با همسر و فرزندان در عوض تفریحات مجردی یا دوستانه، برنامه‌ریزی برای انجام امور شخصی مثل استفاده از موبایل در زمان‌های مشخص، وقت‌گذاری برای بازی و صحبت با فرزندان پس از برگشت از محل کار، ایجاد تعادل بین کار و خانه و عدم انتقال خستگی‌های ناشی از کار به درون محیط خانواده و غیره نمونه‌ای از رفتارهایی است که لذت بودن در کنار خانواده و ارتباط با آن‌ها را نشان دهند.

درسته سر من شلوغه، اما یه تعادلی باید بین کار و خانواده به وجود بیارم مثلاً شب که می‌روم خونه سریع نمی‌خوابم بلکه شروع می‌کنم از

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

روزی که گذشت می‌گویم و خانمم چون خانه داره، از نیازاش می‌پرسم
که آیا چیزی نیاز داره؟ آیا از چیزی نگران و ناراحته و ... (مرد)
شرکت‌کننده شماره ۱۱).

دلجویی و تسلی خاطر

یکی از نیازهای اساسی انسان که ارضای آن موجب آرامش خاطر و عدم احساس تنهایی در وی می‌گردد، دلجویی و تسلی خاطر نزدیکان در زندگی می‌باشد. از دید مردان، همدلی و درک کردن زنان در موقعیت‌های بحرانی، نوعی پشت‌گرمی و تکیه‌گاه برای زنان محسوب می‌شود که گذر از شرایط بحرانی و ناراحت‌کننده را برای آن‌ها آسان می‌کند. همدلی و هم‌دردی با همسر در موقع بروز مشکلات سخت مثل بیماری خود یا یکی از اعضای خانواده، مرگ یکی از نزدیکان یا شکست‌های شغلی، تحصیلی و اجتماعی نمونه‌ای از موقعیت‌های بحرانی برای زنان محسوب می‌شود که همدردی و غم‌خواری عاطفی مردان، عدم توقع از آن‌ها برای انجام وظایف و مسئولیت‌های روزانه و کمک به آن‌ها در ایفای نقش‌ها و وظایف روزمره را ضروری می‌کند.

وقتی برادر خانمم بیماری سرطان گرفت به خانمم نگفتم چون فصل
امتحانات دانشگاهش بود. بعداً که بهش گفتم حالش خیلی بد شد بهم
گفت می‌تونی منو درک کنی بهش گفتم آره من کنارتم و درکت
می‌کنم. ما در شرایط بحرانی کنار همدیگه بودیم و همدیگه رو کنار
نگذاشتیم و پشت هم بودیم (مرد شرکت‌کننده شماره، ۸).

ضمانت روان‌شناختی

ضمانت و امنیت به معنای عدم نگرانی نسبت به حضور بیگانه و عدم تهدید آرامش زندگی از جانب عوامل و شرایط مخاطره‌آمیز تعبیر می‌شود. مصاحبه شونده‌ها نیاز به ضمانت روان‌شناختی در زندگی زوجی را مترادف با اطمینان خاطر در زندگی تلقی کرده‌اند. از دید مصاحبه شونده‌ها یکی از مصادیق عمده حصول ضمانت روان‌شناختی احساس در زندگی زوجی، روراستی و عدم پنهان‌کاری است. رفتارهایی همچون همسر را در جریان رفت و آمدها گذاشتن، مطلع کردن همسر از برنامه‌های روزانه مثل قرار ملاقات‌ها، مسافرت‌های کاری، دیر آمدن‌ها به خانه، اطلاع‌رسانی مسائل شخصی و به ظاهر کم‌اهمیت به همسر همچون تعداد حساب‌های بانکی، رمز کارت‌های بانکی و رمز تلفن همراه، عدم اقدام به رفتارهای شک برانگیز همچون ترک محیط هنگام حرف زدن با تلفن همراه، پنهان کردن تلفن همراه و عدم ممانعت جهت دسترسی همسر به تلفن همراه، نمونه رفتارهایی است که بروز شک و تردید احتمالی در زنان را از بین می‌برد.

گوشی من همیشه دم دست بوده، بهش نجسیدم، رمز نداشته و اگر
داشته خانمم بلد بوده، پیام و تلفن مشکوکی نداشتم، اگر پیام‌های منو

بخواد بخونه کاملاً آزاد است و هیچ وقت بهش نمی‌گم چرا این کار را کردی (مرد شرکت‌کننده شماره، ۱۳).

نمونه‌ای دیگر از رفتارهایی که نوید بخش امنیت روانی در زندگی زوجی می‌باشد، دوری از رفتارهای مخرب همچون استعمال دخانیات و مواد مخدر یا رفیق‌بازی و خوشگذرانی با دوستان می‌باشد. دوستانی که دارم از تعداد انگشت‌های دست کمتره. دنبال رفیق بازی نیستم، اگر هم دوستی انتخاب کنم دوست خوب انتخاب می‌کنم نه دوستای خطرناک که از نظر روحی و مالی بهم ضربه بزنند و از این مورد خیلی همسر مراضی است و همیشه بهم میگه خیلی خوشم میاد ازت که رفیق باز نیستی و دوستان خوبی هم داری (مرد شرکت‌کننده شماره، ۴).

یکی از موضوعاتی که امروزه نقش مهمی در حفظ و بقای زندگی زناشویی ایفا می‌کند و ایجاد امنیت روانی در زندگی زوجی به میزان زیادی به آن بستگی دارد، تضمین تعهد و وفاداری به همسر می‌باشد که نمونه بارز آن کنترل رابطه با جنس مخالف در فضای مجازی، محیط کار، روابط فامیلی و روابط اجتماعی می‌باشد. به گفته مصاحبه شونده‌ها، رفتارهایی از جمله اجتناب فرد از فکر کردن به جنس مخالف به غیر از همسر، اجتناب از نگاه وسوسه برانگیز به جنس مخالف در کوچه و خیابان، اجتناب از صحبت‌های غیرضروری با جنس مخالف و عدم عشوه‌گری در صحبت با جنس مخالف، رعایت چارچوب‌ها و مرزهای ارتباطی بین زن و مرد در محیط کار همچون عدم شوخی کردن، صمیمی شدن و درد و دل کردن با همکاران زن در محیط کار، مصادیقی از تعهد و وفاداری مردان در زندگی مشترک می‌باشد. انتظاری که یک زن از شوهرش داره اینه که مثلاً وقتی در خیابون راه می‌روند شوهرش به زن‌های دیگه نگاه نکنه. این کار واقعاً در روحیه خانم تأثیر می‌ذاره حتی اگه اصلاً هم شوهر منظوری نداشته باشه اما همین نگاه یعنی من کنارت نشستم و تو داری زن مردم رو می‌بینی و بحث مقایسه و سلب اعتماد در زندگی پیش میاد (مرد شرکت‌کننده شماره، ۱۰)

گذشت و خودانتقادی

در بسیاری از مواقع علی‌رغم تلاش‌های زوج‌ها برای جلوگیری از بحرانی شدن اوضاع، اما مشاجرات و دعوای بین زوج‌ها بالا می‌گیرد. به عقیده مصاحبه شونده‌ها، بهترین راه حل برای این وضعیت، اجتناب از واکنش تهاجمی می‌باشد. اجتناب از واکنش تهاجمی مصادیق مختلفی دارد اما از دید مصاحبه شونده‌ها مهم‌ترین راهکار اجتناب از بحرانی شدن اوضاع، سکوت در لحظه، عدم کش دادن مسأله و موکول کردن حل مسأله به زمان دیگر می‌باشد.

من خودم سعی کردم همیشه ایشون را درک کنم خیلی مواقع خصوصاً در اوایل ازدواج مون در بعضی موارد خانمم زود واکنش نشون می‌داد و خیلی

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

زود داغ می‌کرد من چیزی نمی‌گفتم و می‌داشتم چند روز بگذره و بعد در یک موقعیت خوب به خانمم می‌گفتم. بعد خانمم می‌پذیرفت و خیلی هم راحت می‌پذیرفت (مرد شرکت‌کننده شماره، ۵).

بخشش زود هنگام، عدم منت‌گذاری برای بخشش، تلاش برای فراموش کردن و عدم یادآوری اشتباهات همسر در مواقع مختلف، از جمله راهبردهای اتخاذ شده توسط مردان جهت اتمام مشاجرات مخصوصاً در مواقعی است که اشتباه از سوی همسران آن‌ها اتفاق افتاده است. علاوه بر این پذیرش تقصیر و اولویت دیدن سهم خود در مسائل پیش آمده، قبل از متهم کردن طرف مقابل، دوری از خودرأیی و قبول حرف طرف مقابل در صورت درست بودن، قبول مسئولیت اشتباهات خود و عادت به عذرخواهی کلامی و تلاش در جهت اصلاح و رفع نواقص، نمونه‌ای از رفتارهایی است که با وجود سختی انجام دادن آن‌ها مخصوصاً برای مردان، اما تأثیر بسزایی در افزایش کیفیت زناشویی، کاهش مشاجرات و استحکام زناشویی دارد. می‌توان گفت پذیرش تقصیر، علاوه بر این که منجر به ختم مشاجرات می‌شود، نوعی آموزش پنهان نیز محسوب می‌شود چرا که طرف مقابل با مشاهده خضوع و پذیرش اشتباهات از سوی شوهر، رفتار او را الگوی خود قرار می‌دهد و در موارد مشابه مسئولیت اشتباهات خود را می‌پذیرد.

وقتی من ببینم فلان رفتارم ایراد داره برای رفع آن اقدام می‌کنم و اگر این‌ها رو طرف مقابل من ببینه به نظرم من یه درس مهمی است که تو هم نقص‌هایت را ببین و تلاش کن رفتارهای بدت رو اصلاح کنی. اگر در زندگی به مشکلاتی برخوردیم بگیم ما چقدر در زندگی مشترکمون مقصر بودیم نه اینکه طرف مقابل را مقصر بدونیم (مرد شرکت‌کننده شماره، ۳).

مضمون فراگیر: مهم‌انگاری و به حساب‌آوری زنان در زندگی زناشویی

با توجه به مفاهیم و مقولات به‌دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان گفت، مردان، افزایش کیفیت زناشویی را منوط به اتخاذ راهبردهایی می‌دانند که منجر به ایجاد و افزایش حس "مهم بودن" و "به حساب آمدن" در زنان گردد. یافته‌های پژوهش با توجه به این مهم که دربردارنده تجربه زیسته مردان در طول حیات زندگی زناشویی بوده و برخاسته از این واقعیت است که مردان اعمال خود را با توجه به بازخورد همسران خود و احساس رضایت یا نارضایتی‌ای که در آن‌ها رخ می‌دهد توصیف کرده‌اند، حائز اهمیت است. مقولاتی همچون اهمیت‌دادن به نیازهای عاطفی و احساسی همسر، اولویت و ارجحیت دهی به همسر و فرزندان در مقایسه با سایر مشغولیت‌های زندگی، دلجویی و همدردی با همسر، امنیت روانی و ایجاد خاطر جمعی در همسر و... نشان‌دهنده این واقعیت است که مردان، همسران خود را نه تنها در معنای لفظی بلکه در معنای عملی به عنوان شریک و همراه زندگی خود می‌بینند و نیازها، علائق و خواسته‌های آن‌ها را همچون نیازها، علائق و خواسته‌های خود محترم می‌شمارند و در یک نگاه منصفانه همان‌طور که از زنان، انتظار ارضای نیازهای روحی و جسمی خود را دارند؛ ارضای نیازهای مادی و

عاطفی زنان را نیز از وظایف خود محسوب می‌کنند. مردان مصاحبه شده معتقدند زنان، هنگامی که متوجه شوند که برای همسران‌شان اهمیت دارند، تمایل روحی و روانی بیشتری برای زندگی زناشویی از خود نشان می‌دهند. "مهم بودن" احساسی نیست که در خلاء پدید آید بلکه احساسی است نشأت گرفته از رفتار دیگران. بنابراین زنان در صورتی احساس مهم بودن در زندگی زناشویی را درک می‌کنند که این مهم بودن را از رفتار و افکار شوهران‌شان درک کنند.

به حساب آوردن و مهم انگاشتن زنان که خود را در قالب رفتارها، اعمال و احساس‌های مردان در طول زندگی زناشویی نشان می‌دهد، نمود این واقعیت است که جایگزینی تفکر "ما بودن" به جای "من بودن" و توانایی دیگر بینی در عوض خودبینی، مهم‌ترین مقوله‌ای است که مردان آن را باور داشته به صورت عملی آن را زندگی می‌کنند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل مضامین مرتبط با کیفیت زناشویی از دیدگاه مردان متأهل انجام گرفت. اطلاعات به دست آمده از شرکت‌کننده‌ها به شناسایی شش مضمون سازمان‌دهنده: ۱. ارضای عواطف و احساس‌ها، ۲. درک علایق و نیازها، ۳. اولویت‌دهی و مرکز توجه قرار دادن، ۴. دلجویی و تسلی خاطر، ۵. ضمانت روان‌شناختی، ۶. گذشت و خود انتقادی و در نهایت مضمون فراگیر "مهم انگاشتن و به حساب آوردن زنان" منجر گردید. کیفیت زناشویی مفهومی است که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و بیشترین تحقیقات در حیطه روابط زناشویی بر روی این سازه صورت گرفته است (Custer, 2009). فهم کیفیت زناشویی به این دلیل مهم است که هنگامی که این سازه ضعیف باشد، افراد درون ازدواج و همچنین کودکان و جامعه از آن رنج می‌برند. کیفیت زناشویی پایین با مشکلات خانوادگی و اجتماعی بسیاری در ارتباط است. مشکلات سلامت روانی، عملکرد تحصیلی ضعیف فرزندان و رفتارهای در معرض خطر مرتبط با مصرف مواد و خشونت در افرادی که در ازدواج‌های دارای کیفیت زناشویی ضعیف تربیت شده‌اند، مشاهده شده است (Whisman, 1999).

در این پژوهش یکی از مضمون‌های بسیار مهمی که از سوی مردان متأهل اشاره شد، ارضای عواطف و احساس‌ها است. مردان در این مضمون از راهبردهایی همچون ابراز کلمات محبت‌آمیز و عاشقانه، شنونده خوبی بودن برای صحبت‌های همسر، تقویت عاطفی، غافل‌گیری احساسی، انجام رفتار محبت‌آمیز و بیان احساس‌ها استفاده می‌کردند. ابراز احساس ممکن است به صورت کلامی یا غیرکلامی، مستقیم یا غیرمستقیم و عمدی یا ناخواسته باشد (Dainton, 1998). ابراز احساس با شادی، رضایت از زندگی و کیفیت زناشویی رابطه دارد (Floyd, 2002, 2006). یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که زوج‌هایی که بیشترین ابراز احساس را به یکدیگر نسبت به دیگر زوج‌ها داشته‌اند، از روابطشان بیشتر احساس خوشحالی و رضایت دارند (Gulledge, Gulledge, & Stahmann, 2003). با عوامل استرس‌زای مزمن کمتری مواجه‌اند (Floyd, Hesse, & Haynes, 2007) و علاوه بر این، ابراز احساس

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

با رضایت جنسی نیز همبسته است و با احتمال طلاق رابطه منفی دارد (Dew & Wilcox, 2011). همین امر موجب افزایش کیفیت زناشویی می‌شود. این یافته با یافته‌های (Fincham & Linfield, 1997; Rosen, 2011; Myers, & Hattie, 2004; Walker, 2011) هماهنگ است.

مضمون اکتشاف شده دیگر این پژوهش، درک علایق و نیازها و عدم بی‌تفاوتی نسبت به خواسته‌های همسر بود که مردان در این مضمون به مواردی همچون تأمین مالی و توجه به علائق همسر در مورد تفریح و غیره اشاره کردند. اطلاع از نیازهای طرف مقابل، در هر رابطه، خصوصاً در زندگی زناشویی به ما امکان می‌دهد بتوانیم از بسیاری سوءتفاهم‌ها و مشاجرات ناخواسته در زندگی روزمره خود بکاهیم. یکی از عواملی که پیش‌بینی می‌شود نقش مهمی در کیفیت زناشویی زوجین اعمال می‌کند، انتظارات زناشویی زوجین است (Rios, 2010). ازوپاردی (Azzopardi, 2007) معتقدند انتظارات و خواسته‌ها یکی از پنج پدیده شناختی است که وقتی تحریف می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در پریشانی زناشویی داشته باشد. البته باید بیان کرد که میزان برآورده شدن انتظارات و خواسته‌های هر یک از زوج‌ها، می‌تواند مبنای رضایت از زندگی زناشویی باشد. فاصله بین واقعیت و انتظارات از زندگی زناشویی می‌تواند توجیهی برای رضایت همسران از رابطه زناشویی فراهم کند (Miller & Tedder, 2011). بنابر این بسیاری از مشکلات ارتباطی و نارضایتی‌های همسران نیز از انتظارات غیرواقعی و مبهم یا فاصله موجود انتظارات و واقعیت‌های موجود می‌باشد (Mousavi & Dehshiri, 2015). همانند مضمون‌های قبلی، این یافته با این یافته‌ها (Wheeler, 2010; Erickson, 2005; Bulanda, 2006) هماهنگ است. مضمون بعدی، ارجحیت و اولویت‌دهی به همسر و فرزندان بود. شرکت‌کننده‌ها به مواردی همچون ایجاد تعادل بین کار و خانه و اولویت قرار دادن خانواده بر دوستان و غیره اشاره کردند. کار و خانواده به عنوان دو حوزه جداگانه در نظر گرفته می‌شوند که می‌توانند تأثیر مثبت و منفی بر روی یکدیگر بگذارند (Yucel, 2017). پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که رابطه بین کار و خانواده می‌تواند متقابل باشد، یعنی کار می‌تواند بر روی خانواده تأثیر منفی بگذارد و از سوی دیگر خانواده هم می‌تواند بر روی کار تأثیر منفی بگذرد. (Minnotte, Minnotte & Bonstrom, 2015; Voydanoff, 2007)

بسیاری از پژوهش‌ها بر روی این موضوع تمرکز داشته‌اند که چنانچه تعادلی بین کار-خانواده وجود نداشته باشد موجب ایجاد تعارض و درگیری در خانواده‌ها می‌شود (Allen, Herst, Bruck, & Sutton, 2000; Amstad, Meier, Fasel, Elfering, & Semmer, 2011; Mauno, Kinnunen, 2006). پژوهش (Amstad et al., 2011) نشان داد که چگونه کار می‌تواند نتایج خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. بیان کردند، در صورتی که فردی درگیری بیشتری با کار خویش داشته باشد مقدار زمانی که می‌تواند به عنوان یک والد و یا یک همسر در کنار خانواده داشته باشد به شدت کاهش می‌یابد و همین امر سبب ایجاد تعارض‌های زناشویی می‌شود. بنابراین شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد در صورتی که تعادلی بین کار و خانواده نباشد این امر موجب کاهش کیفیت زناشویی می‌شود (Minnotte et al., 2015 & Amstad et al., 2011). از سوی دیگر، در این مضمون شرکت‌کننده‌ها اشاره‌ای به

گذراندن وقت و اولویت دادن وقت با خانواده داشته‌اند. افزایش شرکت کردن در فعالیت‌های لذت‌بخش با یکدیگر، روشی است که در پژوهش‌ها برای افزایش کیفیت زناشویی پیشنهاد شده است (Zabriskie & McCormick, 2003). بنابراین گذراندن وقت در کنار خانواده و فرزندان، به‌طور فزاینده‌ای به عنوان یک فعالیت پاداش اضافی در نظر گرفته می‌شود که موجب رضایت در خانواده می‌شود (Lawrence et al., 2011). نتایج این مضمون با این یافته (Montemayor, 1984, cited in Claxton, 2006) (Allendorf & Ghimire, 2013), (Brower, 2014, Proulx, Helms & Chris, 2004)، هماهنگ است. دلجویی و تسلی خاطر دادن به همسر مضمون دیگری است که شرکت‌کننده‌ها به آن اشاره کردند. در این مضمون شرکت‌کننده‌ها به مواردی همچون همدلی با همسر در مواقع مواجهه با مشکلات یا بحران‌های ناراحت‌کننده، همیاری و پرستاری اشاره کردند. همدلی یک رفتار ارتباطی دیگر است که در زوج‌های غیر پریشان یا شاد مشهود است. پژوهشی نشان می‌دهد که همدلی فهم نظرگاه شریک فرد یک پیش‌بینی کننده مهم سازگاری و کیفیت زناشویی و تمایل زن و شوهر به طلاق است (Markman, Renick, Floyd, Stanley, & Clements, 2004). همدلی نشان‌دهنده نگرانی خالصانه برای شریک است و اگر افراد شریک‌هایی داشته باشند که دارای ظرفیت ابراز همدلی باشند به احتمال زیادتری روابط پایدار و بسیار تنظیم یافته‌ای خواهند داشت (Long, Angera, Carter, Nakamoto, & Kalso, 1999). برخی درمانگران زناشویی بر نیاز به آموزش همدلی و آموزش این امر به عنوان یک مهارت برای زوجها تأکید داشته‌اند (Hawkins, Blanchard, Baldwin, & Fawcett, 2008). آنچه به همراه همدلی می‌تواند کیفیت زناشویی را در یک رابطه افزایش دهد گوش دادن فعال است (Ballard-Reisch & Weigel, 2008). جالب است، وقتی یک زوج پریشان را مشاهده کنید، در روابطشان گوش دادن همدلانه بسیار کمتری نسبت به یک زوج شاد و پایدار وجود دارد. از این رو یکی از مهم‌ترین مضامین کیفیت زناشویی همین مهارت همدلی در بین زن و شوهر می‌باشد. این یافته با این پژوهش‌های (Paleari, Regalia, & Fincham, 2005, Zhang & Tsang, 2012) همخوانی دارد.

مضمون دیگر، تحت عنوان ضمانت روان‌شناختی نام‌گذاری گردید. این مضمون به مواردی همچون اطلاع‌دهی، کنترل رابطه با جنس مخالف و دوری از رفتارهای مخرب و منفی اشاره دارد. یکی از ارکان مهم در زندگی زناشویی "تعهد" می‌باشد که از اهمیت بالایی برخوردار است. تعهد در ازدواج یک مؤلفه بنیادین تعیین‌کننده برای متأهل‌اند یا جدا شدن زوج است، و در نتیجه یک متغیر مهم در هنگام بررسی رابطه زناشویی است (Kirk, Serres, Eckstein, & Helms, 2007; Weigel & Ballard-Reisch, 2008; Byrd, 2009). تعهد یک الزام یا وعده برای انجام یک وظیفه است. تعهد زناشویی شامل یک دل‌بستگی روان‌شناختی از جمله اشتغال طولانی مدت و قصد ماندن در یک رابطه است (Nelson, Kirk, Ane & Serres, 2011). تعهد تعیین می‌کند که چقدر احتمال دارد زوج با هم بمانند یا طلاق بگیرند (Byrd, 2009). روابط دارای سطوح تعهد برابر، ثبات و کیفیت را در طول زمان نشان می‌دهند (Kirk et al., 2007). پژوهشگران تعیین کرده‌اند که افراد دارای سطوح بالای تعهد متمایل به انطباق بیشتر با شریک‌شان هستند، مهارت‌های ارتباطی بیشتری دارند و تمایل به گزارش کیفیت بالاتری در زندگی دارند (Adams & Jones, 1997). نتایج این

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

یافته با دیگر نتایج مطالعات (Hass-ebrauck & Fehr, 2002), (Smart, 2008), (Fincham & Beach, 2010) همخوانی دارد.

و در نهایت، آخرین مضمون بیان شده به دست آمده، برخورداری از روحیه گذشت و خود قضاوتی در زندگی بود. در این مورد شرکت کننده‌ها مواردی همچون بخشش زود هنگام، عدم طولانی کردن مشاجرات و پیش قدمی در آشتی کردن، انتقادپذیری و عدم موضع‌گیری در مقابل ایرادهای مطرح شده از سوی همسر، خود قضاوتی و تلاش جهت حذف رفتارهای آزار دهنده و فراموشی و عدم یادآوری اشتباهات طرف مقابل و نداشتن حس انتقام‌گیری ذکر نمودند. کاهش احساس‌های منفی و افزایش احساس‌های مثبت مهم‌ترین جنبه‌های بخشش است که در مورد آن بیشتر توافق شده است (Brose, Rye, Folk, Olszewski, & Heim, 2001). بخشش ابزاری مهم برای حفظ روابط پایدار و درازمدت است و به زوجها برای مقابله با مشکلات موجود و پیشگیری از بروز آن‌ها در آینده کمک می‌کند (Riply & Worthington, 2002). پژوهش‌های زیادی در رابطه بین بخشش و رضایت و کیفیت زناشویی صورت گرفته است که می‌توان به پژوهش (Dixon, & Litzinger Gordon, Hughes, Tomcik, 2009) اشاره کرد که بخشش در موقعیت‌هایی که تعهدات زناشویی یا استانداردهای رابطه زیر پا گذاشته می‌شود، اهمیت دارد و همچنین بخشش زوجها به صورت معناداری با کیفیت زناشویی و عملکرد زوجها در ارتباط است. فیچام، پالیوی و رگالیا (Fincham, Paleari & Regalia, 2002) نشان دادند که بخشش به بهبود کیفیت زناشویی زوجها می‌انجامد. احتشام زاده، مکوندی و باقری (Ehteshamzadeh, Makvandi & Bagheri, 2009) نیز نشان دادند بین بخشش و رضایت زناشویی رابطه مثبت وجود دارد. با توجه به موارد گفته شده، نتایج این یافته با پژوهش‌های (Fincham & Beach 2010), (Leo, 2011), (Dew & Wilcox, 2013), (Fincham, Beach & Stanley, 2007) همخوانی دارد.

در نهایت می‌توان گفت که ماحصل پژوهش، دستیابی به مفهوم مهم انگاشتن و حساب آوردن زنان در زندگی زناشویی است. مفهومی که برآیند کلی پژوهش‌گران از مضامین سازمان‌دهنده موجود می‌باشد. با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان گفت رفتارها، گفتارها و اعمالی از مردان کیفیت زندگی زناشویی را برای آن‌ها به دنبال دارد که منجر به ایجاد احساس مهم بودن در زنانشان شود. رفتارهایی که زنان را نه به عنوان جنسیتی ضعیف و منفعل بلکه به عنوان شخصیتی اثرگذار و صاحب‌نظر در زندگی قلمداد کند.

نتیجه‌گیری

هر ساله پژوهش‌های بسیاری در مورد پدیده "کیفیت زناشویی" و چگونگی افزایش آن، در سراسر جهان صورت می‌گیرد؛ چرا که کیفیت زناشویی تأثیرات زیادی بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی، شغلی و اجتماعی افراد به جا می‌گذارد و از پدیده "طلاق" که امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های خانوادگی در دنیا محسوب می‌شود، جلوگیری می‌کند. بنابراین کیفیت زناشویی موضوعی است که جدای از برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی- فرهنگی، از سوی هر یک از زوجین (چه

مرد و چه زن) باید مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر تلاش شد تا ضمن واکاوی عمیق و دقیق تجربه زندگی مردان متأهلی که میزان بالایی از رضایت زناشویی را در زندگی خود گزارش داده‌اند، راهکارها، اعمال و رفتاری‌هایی که مردان متأهل نسبت به همسران خود در این راستا به کار می‌برند، شناسایی گردد. ماحصل یافته‌های پژوهش گویای این مطلب است که مردان متأهل، رضایت و خشنودی خود از زندگی زناشویی‌شان را منوط به حصول رضایت و خشنودی زنان‌شان می‌دانند و معتقدند رضایت و خشنودی حداکثری زنان در صورتی حاصل می‌شود که آنان (زنان) اطمینان خاطر حاصل کنند که در مرکز توجه و علاقه شوهران‌شان قرار دارند. می‌توان گفت که القای حس مهم بودن به زنان از طریق عملکرد و رفتار شوهران، مهم‌ترین عاملی است که دل‌بستگی، شادی و رضایت زنان به زندگی مشترک را تقویت می‌کند. پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی بوده است. یکی از این محدودیت‌ها در این پژوهش، سن شرکت‌کنندگان می‌باشد که بین ۲۵-۴۵ سال بود و سنین بالاتر در نظر گرفته نشد. علاوه بر آن، این پژوهش در شهر، شهرکرد انجام شد؛ هم‌چنین در این پژوهش تنها به شناخت راهبردهای مردان متأهل در راستای افزایش کیفیت زناشویی پرداخته شد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آینده، راهبردهای افزایش کیفیت زناشویی زنان متأهل مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین پیشنهاد می‌گردد این‌گونه پژوهش‌ها در نسل‌های مختلف به طور مجزا و هم‌چنین در همه استان‌ها و شهرهای مختلف صورت گیرد تا ضمن دستیابی به یک سنخ‌بندی مشترک در مورد کیفیت زناشویی، کیفیت زناشویی بر حسب فرهنگ‌ها، عادات و آداب مردم مناطق مختلف کشور نیز مورد بررسی قرار گیرد.

References

- Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., & Sheikhzade, S. (2011). Thematic analysis and thematic networks: A simple and efficient method for exploring patterns embedded in qualitative data municipalities. *Strategic Management Thought*, 5(2), 151-198. (Persian)
- Acevedo, B., Aron, A., Fisher, H., & Brown, L. (2012). Neural correlates of marital satisfaction and well-being: Reward, empathy, and affect. *Clinical Neuropsychiatry*, 9, 20-31.
- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72(5), 1177-1196.
- Allen, T., Herst, D., Bruck, C., & Sutton, M. (2000). Consequences associated with work-to-family conflict: A review and agenda for future research. *Journal of Occupational Health Psychology* 5, 278-308.
- Allendorf, K., & Ghimire, D. J. (2013). Determinants of marital quality in an arranged marriage society. *Social Science Research*, 42(1), 59-70.

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

- Amato, P. R. (2010). Research on divorce: continuing trends and new developments. *Journal of Marriage and Family*, 72, 650–666.
- Amstad, F., Meier, L., Fasel, U., Elfering, A., & Semmer, N. (2011). A meta-analysis of work-family conflict and various outcomes with a special emphasis on Cross-domain versus matching-domain relations. *Journal of Occupational Health Psychology*, 16(2), 151–69.
- Azzopardi, C. (2007). *Expectations of marriage before & after marriage among maltese catholic couples*. The degree of Doctor of Systemic Psychotherapy. University of East London.
- Bakhshudeh, A., & Bahrami Ehsan, H. (2012). Role of dyadic expectations and healthy relations in prediction of dyadic satisfaction. *Islam & Psychology*, 6(10), 27-42. (Persian)
- Banerjee, S., & Basu, J. (2013). Personality factors, attachment styles and coping strategies in couples with good and poor marital quality. *Psychological Studies*, 10, 1007-1016.
- Bath, K. B. (2010). *A qualitative study of couples' experience of the preventative and relationship enhancement Program*. Doctoral Thesis. The University of Virginia.
- Beach, S. R., & Tesser, A. (1994). Decision making power and marital satisfaction: A self-evaluation maintenance perspective. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 12(4), 471–494.
- Brose, L. A., Rye, M. S., Lutz-Zois, C., & Ross, S. R. (2005). Forgiveness and personality traits. *Personality and Individual Differences*, 39, 35-46.
- Brower, S. L. (2014). *Daily activities and couples' relationship quality*. Doctoral Thesis. The University of Michigan.
- Bulanda, J. R. (2006). *Marriage in later life: the relationship between marital quality, health, and divorce*. Doctoral Thesis. Bowling Green State University.
- Byrd, S. E. (2009). The social construction of marital commitment. *Journal of Marriage and Family*, 7(2), 318-336.
- Chmielewska, M. (2012). Marital quality in the context of interpersonal dependency. *Economics & Sociology*, 5(2), 58-74.
- Claxton, A. (2006). *Playing together and staying together: an analysis of leisure activities and marital quality across the transition to parenthood*. Master of Science Thesis. University of Massachusetts Amherst USA.
- Conger, R. D., Elder, G. H., Lorenz, F. O., Wickrama, K. A. S., & Yeh, H. C. (2006). Relationships among sexual satisfaction, marital quality, and marital instability at midlife. *Journal of Family Psychology*, 20, 339–343.
- Cowan, C. P., & Cowan, P. A. (1995). Interventions to ease the transition to parenthood: Why they are needed and what they can do. *Family Relations: Journal of Applied Family & Child Studies*, 44(4), 412-423.
- Custer, L. (2009). *Marital satisfaction and quality*. In: *encyclopedia of human relationships*. SinoacilEuP EGAS. <http://www.sage-dereference.com>.

- Dainton, M. (1998). Everyday interaction in marital relationships: Variations in relative importance and event duration. *Communication Reports, 11*, 101-110.
- Floyd, K. (2002). Human affection exchange: V. Attributes of the highly affectionate. *Communication Quarterly, 50*, 135-154.
- Dew, J., & Wilcox, B. (2013). Generosity and the maintenance of marital quality. *Journal of Marriage and Family, 75*(5), 1218-1228.
- Dew, J., & Wilcox, W.B. (2011). Motherhood and marriage: A response. *Journal of Marriage and Family, 73*, 29-32.
- Ehteshamzadeh, p., Makvandi, B., & Bagheri, A. (2009). Relation forgiveness, perfectionism and intimacy with marital satisfaction in veterans and their wives. *Women and Culture, 1*(2), 23-32. (Persian)
- Erickson, R. J. (2005). Why emotion work matters: Sex, gender, and the division of household labor. *Journal of Marriage and Family, 67*(2), 337-351.
- Fincham, F. D., & Beach, S. R. H. (2010). Marriage in the new millennium: A decade in review. *Journal of Marriage and the Family, 72*(3), 630-649.
- Fincham, F. D., & Linfield K. J. (1997). A new look at marital quality: Can spouses Feel Positive and negative about their marriage. *Journal of Family Psychology, 11*(4), 489-502.
- Fincham, F. D., Paleari, F. G., & Regalia, C. (2002). Forgiveness in marriage: The roles of relationship quality, attributions and emotions. *Personal Relationships, 9*, 27-37.
- Fincham, F. D., Stanley, S. M., & Beach, S. H. (2007). Transformative processes in marriage: An analysis of emerging trends. *Journal of Marriage and Family, 69*(2), 275-292.
- Floyd, K. (2006). *Communicating affection: Interpersonal behavior and social context*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Floyd, K., Hesse, C., & Haynes, M. T. (2007). Human affection exchange: XV. Metabolic and cardiovascular correlates of trait expressed affection. *Communication Quarterly, 55*(1), 79-94.
- Gordon, K. C., Hughes, F. M., Tomcik, N. D., Dixon, L. J., & Litzinger, S. C. (2009). Widening spheres of impact: The role of forgiveness in marital and family functioning. *Journal of Family Psychology, 23*, 1-13.
- Grandon, J. R., Myers, J. E., & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of Counseling and Development, 82*, 58-68.
- Gulledge, A.K., Gulledge, M.H., & Stahmann, R.F. (2003). Romantic physical affection types and relationship satisfaction. *The American Journal of Family Therapy, 31*, 233-242.
- Hass-ebrauck, M., & Fehr, B. (2002). Dimensions of relationship quality. *Personal Relationships, 9*, 253-270.

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

- Hawkins, A. J., Blanchard, V. L., Baldwin, S. A., & Fawcett, E. B. (2008). Does marriage and relationship education work? A meta-analytical study. *Journal of Counseling and Clinical Psychology, 76*, 723-734.
- Huston, T. L., Caughlin, J. P., Houts, R. M., Smith, S. E., & George, L. J. (2001). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital delight, distress, and divorce. *Journal of Personality and Social Psychology, 80*(2), 237-252.
- Kaplan, R. M., & Kronick, R. G. (2006). Marital status and longevity in the united states population. *Journal of Epidemiological Community Health, 60*, 760-765.
- Kapure, R. (2015). A study of relationship between marital satisfaction and perceived level of career success among individuals with business. *Journal of Social Sciences and Humanities Invention, 2*(6), 1406-1416.
- Kirk, A. M., Eckstein, D., Serres, S. A., & Helms, S. G. (2007). A dozen commitment considerations for couples. *The Family Journal, 15*(3), 271-276.
- Lawrence, E., Barry, R. A., Brock, L. R., Bunde, M., Langer, A. R. E., Fazio, E., ... & Dzankovic, S. (2011). The relationship quality interview: Evidence of reliability, convergent and divergent validity, and incremental utility. *American Psychological Association, 1*(1), 43-63.
- Lawrence, E., Brock, R. L., Barry, R. A., Langer, A., & Bunde, M. (2008). Assessing relationship quality: Development of an interview and implications for couple assessment and intervention. Psychology of Relationships, 1-17. In book *Psychology of relationships*, Publisher: Nova Publishers, Editors: E Cuyler, pp.173-189.
- Leo, K. M. (2011). *The experience of forgiving in the marital relationship*. Seton Hall University.
- Long, E., Angera, J., Carter, S. J., Nakamoto, M., & Kalso, M. (1999). Understanding the one you love: A longitudinal assessment of an empathy training program for couples in romantic relationships. *Family Relations, 48*, 235-242.
- Lucas, T., Parkhill, M. R., Wendorf, C. A., Imamoglu, E. O., Weisfeld, C. C., Weisfeld, G. E., & Shen, J. C. (2008). Cultural and evolutionary components of marital Satisfaction: A multidimensional assessment of measurement invariance. *Journal of Cross-Cultural Psychology, 39*, 109-123.
- Markman, H. J., Renick, M. J., Floyd, F., Stanley, S., & Clements, M. (2004). Preventing marital distress through communication and conflict management training: A 4- and 5-year follow-up. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 61*, 70-77.
- Mauno, S., Kinnunen U., & Ruokolainen, M. (2006). Exploring work- and organization-based resources as moderators between work-family conflict, well-being, and job attitudes. *Journal Work & Stress 20*(3), 210-33.
- McCray, M. L. (2015). *Infidelity, trust, commitment, and marital satisfaction among military wives during husbands' deployment*. Doctoral Thesis. Walden University. Minnesota.

- Miller, J., & Tedder, B. (2011). *The discrepancy between expectations and reality: Satisfaction in romantic relationships*. Hanover College, PSY 401: Advanced Research.
- Minnotte, K., Minnotte, M., & Bonstrom, J. (2015). Work-family conflicts and marital satisfaction among US workers: Does stress amplification matter? *Journal of Family and Economic*, 36(1), 21–33.
- Monin, J. K., & Clark, M. S. (2011). Why do men benefit more from marriage than do women? Thinking more broadly about interpersonal processes that occur within and outside of marriage. *Sex Roles*, 65, 320-326.
- Mósmann, C., & Falcke, D. (2011). Conflitos conjugais: motivos e frequência. *Revista da SPAGESP*, 12, 5-16.
- Mósmann, C., Wagner, A., & Féres-Carneiro, T. (2007). Qualidade Conjugal: Mapeando Conceitos. *Paidéia*, 16, 315-325..
- Mousavi, S.F., & Dehshiri, G. (2015). The role of discrepancy between expectations and reality of marital relationship in marital satisfaction of married people in Tehran. *Women Studies Sociological and Psychological*, 13(2), 99-110. (Persian)
- Nelson, J. A., Kirk, A. M., Ane, P., & Serres, S. A. (2011). Religious and spiritual values and moral commitment in marriage: Untapped resources in couples counseling? *Counseling and Values*, 55(2), 228-246.
- Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: A longitudinal analysis. *Personality and Social Psychology*, 31(3), 368-378.
- Patton, M. S. (1985). Masturbation from judaism to victorianism. *Journal of Religion & Health*, 24, 133-146.
- Popenoe, D., & Whitehead, B. (2001). *The state of our unions: Social indicators of marital health and well Being*. The National Marriage Project, Rutgers University. Retrieved August 3, 2009 from <http://marriage.rutgers.edu>.
- Proulx, H. M., Helms, C., & Chris, P. (2004). Wives' domain-specific "marriage work" with friends and spouses: links to marital quality. *Family Relations*, 53(4), 393–404.
- Rios, C. M. (2010). *The relationship between premarital advice, expectations and marital satisfaction*. Doctoral dissertation. Available from ProQuest Dissertation and Theses Database.
- Riply, J. S. & Worthington, E. L. (2002). Hope-focused and forgiveness based group interventions to promote marital enrichment. *Journal of Counseling & Development*, 80, 452-463.
- Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E., & Hattie, J. A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of Counseling and Development*, 82, 58-68.
- Rusbult, C. E., Johnson, D. N. J., & Morrow, G. D. (1986). Predicting satisfaction and commitment in adult romantic involvements: An assessment

دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دانشگاه شهید چمران اهواز (دوره ۸، سال هشتم، بهار و تابستان ۹۷ شماره ۱)

- of the generalizability of the investment model. *Social Psychology Quarterly*, 49(1), 81-89.
- Selcuk, E., Zayas, V., & Hazan, C. (2010). Beyond satisfaction: The role of attachment on marital functioning. *Journal of Family Theory & Review*, 2, 258-279.
- Smart, J. R. (2008). *Reported mental health Issues and marital quality: A statewide survey*. Doctoral Thesis. Utah State University.
- Sprecher, S. (2002). Sexual satisfaction in premarital relationships: Associations with satisfaction, love, commitment, and stability. *The Journal of Sex Research*, 39(2), 190-196.
- Strauss, A., & Corbin, J.M. (1990). Basic of qualitative research: Techniques and procedures for grounded theory. Translated: Afshar (2012). Tehran: ney.[in Persian]
- Taylor, S.E. (2002). *The Tending Instinct*. New York: Times Books: Holt & Co.
- Voydanoff, P. (2007). Work, family, and community: Exploring interconnections. *Journal of Marriage and Family*, 69,894-96.
- Waite, L.J., & Gallagher, M. (2000). *The case for marriage: Why married people are happier, healthier, and better off financially*. New York: Doubleday.
- Walker, S. S. (2011). *Gratitude as a mechanism by which agreeable individuals maintain good quality interpersonal relationships*. Doctoral thesis. Department of Psychology. University of Toronto.
- Weigel, D. J., & Ballard-Reisch, D. S. (2008). Relational maintenance, satisfaction, and commitment in marriages: An actor-partner analysis. *Journal of Family Communication*, 8(3), 212-229.
- Wendorf, C. A., Lucas, T., Imamoglu, E. O., Weisfeld, C. C., & Weisfeld, G. E. (2011). Sex differences and similarities in married couples: Patterns across and within cultures. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 42, 340-354.
- Wheeler, B. E. (2010). *Age differences in marriage: exploring predictors of marital quality in husband-older, wife-older, and same-age marriages*. Brigham Young University.
- Whisman, M. A. (1999). Marital dissatisfaction and psychiatric disorders: Results from the national comorbidity survey. *Journal of Abnormal Psychology*, 108, 701- 706.
- Yucel, D. (2017). Work-family balance and marital satisfaction: The mediating effects of mental and physical health. *Society and Mental Health*, 7(3), 175-195
- Zabriskie, R. B., & McCormick, B. P. (2003). Parent and child perspectives of family leisure involvement and satisfaction with family life. *Journal of Leisure Research*, 35(2), 163-189.
- Zhang, H., & Tsang, S. K. M. (2012). Wives' relative income and marital quality in urban china: The role of perceived equity. *Social Justice Research*, 25(4), 406-420